

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده : دکتر موفق محادین ، رئیس اتحادیه نویسندگان اردن
برگردان از: احمد مزارعی
۰۵ جولای ۲۰۱۴

کارتلهای نفتی، "خلافت اسلامی" و قومیت عربی در عراق

اختلافات و درگیریها میان "جبهه نصره" و "خلافت اسلامی - داعش" به علت وابستگی این دو ، یکی "نصره" به شرکت "اکسون موبایل" که در قطر متمرکز بوده و کنترل کامل این امیر نشین را در اختیار دارد و دیگری یعنی "داعش" وابسته به شرکت آرامکو بوده که در عربستان مستقر است، در حالی که رهبران کردستان به شرکت نفتی "شپینگ اند ایجنسی" ، جی اس سی " متعلق به ترکیه و اسرائیل وابسته اند.

در واقع باید گفت از نظر گاه تجارت نفتی، روابط این شرکتهای سه گانه بسیار بالا تر و مهمتر از اختلافات "فقهی" میان "اسلامیون" می باشد، بلکه این "اختلافات را باید در چهار چوب سیاستهای روزانه وزارت خارجه امریکا و پایتخت های منطقه جست و جو نمود، حتی اختلافات میان ریاض و آنکارا را هم باید تابعی از سیاستهای ستراتیژیک کارتلهای نفتی و تأثیر آنها بر این دو پایتخت ارزیابی کرد.

با در نظر گرفتن اطلاعات فوق که در جریان کنفرانس شرکتهای نفتی منعقد شده در مسکو به تاریخ ۱۵ و ۱۶ ماه جون گذشته مطرح گردید ، چند سؤال در برابر ما قرار می گیرد:

یکم این که چگونه سازمانهای تروریستی نفت مسروقه را در بازارهای جهانی بدون موافقت امریکا به فروش می رسانند ؟ و دوم این که ، چرا "داعش" و یا "حکومت خلافت اسلامی خط لوله نفتی کرکوک عراق به بنیاس سوریه را تخریب نمود در صورتی که خط لوله نفتی جبهان ترکیه را که نفت به اسرائیل منتقل می کند همچنان دست نخورده رها شده است ؟ " و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل" .

حقیقت اینست که ما در برابر یک تجارت نفتی منحن قرار داریم که هدف آن دستیابی به نفت ارزان به نصف قیمت است ، در حالی که به علت وجود بحران در منطقه ، قیمت نفت در بازار جهانی هر روزه افزایش می یابد ، اما شرکتهای نفتی به ویژه امریکائی با چنگ اندازی بر منابع ثروتهای ملی منطقه و غارت بی حساب و کتاب ، سیاستهای ضد بشری منطقه ئی و ستراتیژیک خود را به پیش می برند.

از نظرگاه سیاستهای نفتی به طور دقیق می توان گفت که "بهار عربی" و هرج ومرج امنیتی وکوشش جدی در جهت تفکیک دو کشور سوریه و عراق و تبدیل آندو به امارتهای متعدد ، ستراتیژی آشکار غارت و سرقت نفت و گاز این دو کشور به صورت کاملاً غیر شرعی توسط شرکتهای نفتی امریکائی می باشد تا از این طریق بتوانند بر بازار نفت و گاز حاکمیت مطلق پیدا کرده و به راحتی دو کشور ایران و روسیه را به محاصره در آورند.

(۲)

مربیکا همچنان به ماجراجوییهای خود در کشورهای عربی ادامه می دهد، در مورد سوریه ، او با شکست برنامه (آ) مبنی بر سرنگون کردن رژیم پشمارا اعلام داشت ، اما به فوریت به برنامه (ب) منتقل شد که در حقیقت همان برنامه اما در مورد عراق بود : تجزیه واقعی کشور و به چنگ آوردن هر آنچه که بتوان به طور مستقیم در منطقه جزیره فرات و شمال شرقی سوریه و کردستان صهیونیستی که به سرعت به توسعه تبهکارانه دست زد و بر مناطق ثروتمند نفتی کرکوک عراق و نیمی از استان نینوا تسلط یافت، اما هدف او با ما از اشغال شمال و غرب عراق ، امری ژئوپولیتیک و بسیار روشن بود : تسلط بر راه زمینی میان ایران و سوریه، ولی واشنگتن در نظر دارد نیروهای محلی همچون "داعش" و "نصره" را از تسلط بر این مناطق دور کرده و به دست نیروهای "معتدل" کاملاً زیر نظر خود بسپارد و به همین دلیل او با پانصد میلیون دلار کمک مالی از کنگره درخواست نمود تا در اختیار "معتدلان" قرار دهد، البته این به آن معنا نیست که وظیفه "داعش" و "نصره" پایان یافته، بلکه او با ما در نظر دارد از آنها و از پایگاههای موجود در عراق برای عملیات ایدائی علیه ایران و همچنین به راه انداختن "انقلابی از سنیها" علیه روسیه استفاده کند ، اما او با ما همچنان اصرار دارد از نیروهای مذکور همچنان برای تضعیف و تفکیک هر چه بیشتر عراق، سوریه و ایران استفاده کند ، این که برنامه (ب) او با ما موفق خواهد شد یا نه بستگی به توانائی و ایستادگی ارتش دو کشور عراق و سوریه دارد.

(۳)

امپریالیسم امریکا پس از دو جنگ پر خرج و تحلیل برنده در افغانستان و عراق ، برای حفظ نفوذ خود به سازمانهای فاشیستی محلی روی آورده است تا از یکسو مجدداً سیاستهای خود را توسعه داده و از دیگر سو مانع قدرتمند شدن روسیه و چین گردد . هم اکنون فاشیسم اروپائی از نوع اوکراین ، فاشیسم اسلامی در کشورهای شرقی و کشورهای عربی و فاشیسم قبیله ئی و مذهبی بهترین و ارزان ترین وسیله ایست که امریکا می تواند از آنها استفاده کند ، امریکا بنا به مجموعه ای از دلایل ستراتیژیک ، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی توانائی یک لشکر کشی نظامی گسترده را ندارد، لذا با دامن زدن به اختلافات مذهبی قبیله ئی، گسترش دادن خشونت و انتشار هرج و مرج و کینه و دشمنیهای گوناگون، می تواند تا حد زیادی به اهداف خود دست یابد، اما امریکا در عین حال نمی خواهد که سازمانهای فاشیستی موجود مستقلانه عمل کنند ، ولی در برهه کنونی به زانو در آوردن بغداد و تسلیم کامل آن مهمترین هدف امریکا است .

(۴)

پر واضح است که امریکا همچنان دارای نفوذ فراوانی در عراق است و این خطرناک ترین عامل ضعف دولت عراق است، عراق باید به طور سریع در جهت نزدیکی با روسیه، راه سوریه را دنبال کند، این سیاست واشنگتن را مجبور خواهد کرد که وارد تفاهماتی با عراق شود، در زمینه داخلی نیز دولت عراق باید برای شقه کردن جبهه متمردان وارد یک توافقات سیاسی شده و بخشی از عشایر مخالف و بعثیها را وارد دولت کند، این امر اکنون آسان تر به نظر می رسد زیرا با اطلاع تازه داعش مبنی بر این که هر کس با آنان بیعت نکند کافر محسوب می گردد، که شامل بخشهای زیادی از قبائل و بعثیها می گردد که خود به نزدیکی بیشتر سنی و شیعه کمک می کند ، و این در حالی است که کردستان تبدیل به اسرائیل دوم در منطقه شده که خود کمک به وحدت اعراب علیه این دشمن مشترک می گردد. تنها دولتی در عراق پایدار می ماند که مخالف هرگونه سیاست قبیله ئی و مذهبی بوده ، و بر اساس مدنیت، سکولاریسم و عربیت تشکیل گردد.

در شرایط فعلی ضامن اصلی برای وحدت عراق و اخراج اشغالگران ، و همچنین فاشیسم مذهبی و کردهای صهیونیستی ، سکولاریسم ، مدنیت و قومیت عربی است.(۱)

ترجمه : احمد مزارعی ، سوم جولای ۲۰۱۴ .

(۱) توضیح مترجم :

بسیاری از سازمانها و احزاب ضد ایرانی و ضد کمونیستی که به ظاهر ماسک کمونیسم بر چهره دارند به طور دائم با "حزب دموکرات کردستان" و "کومله" و...../ که آشکارا مدافع سیاستهای اسرائیل و امریکا هستند ، رابطه تنگاتنگ داشته و به همین دلیل جرأت نمی کنند به طور جدی سیاستهای جنایتکارانه امریکا و اسرائیل را در منطقه محکوم کنند.

Date: Thu, 3 Jul 2014 19:53:13 -0700